



۲۰۲۰/۱۱/۰۴



عبدالقیوم میرزاده

ملت باید بر علیه طالبان وحشی به پا خیزد

ایالات متحده آمریکا از همان آوان تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان در مراحل نخستین مزاحمت، ممانعت و سبوتاژ پلانهای آزمندانه اتحاد شوروی در جنوب آسیا خاصاً افغانستان را در سر می پرورانید. بعد از سقوط حکومت ذوالفقار علی بوتو بوسیله کودتای نظامی جنرال ضیاالحق و استحکام نظامی سیاسی مشئی افغان ستیز سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI و پیشرفت های قابل توجه فعالیت های استخباراتی این سازمان بوسیله مردمان بومی زیر نام مجاهدین و تنظیم های جهادی در محلات، در کران تا کران افغانستان و بلاخره نفوذ قابل توجه در جمهوریت های آسیای میانه اتحاد شوروی آنزمان زمینه هایی را برای استراتژیست های امریکایی میسر ساخت تا پلانها و استراتژی هایشان را توسعه بخشیده و پیوسته برای تحقق و دستیابی به اهداف شان نیازمند یک افغانستان بی ثبات بودند. این تجاوزات و بحران افزوزی ها برای پاکستان و سازمان استخبارات نظامی اش که بلاثر جنگ سال ۱۹۷۱ باهند با از دست دادن بنگال شرقی (بنگلہ دیش) پوزش به زمین خورده بود نیز زمینه را مساعد ساخت تا حیثیت از دست رفته اش را بوسیله این مداخلات ضد اتحاد شوروی امریکا و همپیمانان بین المللی اش احیا کرده و تعهد اش را برای مشارکت استراتژیستیک با امریکا تجدید کند. به همین ترتیب هم امریکا و هم پاکستان تمام پلانها و اقدامات شان را چه قبل از مضحکه ۲۰۰۱ بن برای ایجاد حکومت مؤقت در افغانستان و چه بعد از آن در خط بی ثبات سازی افغانستان ترتیب، تدوین و عملی کردند. در این همه سالها بعد از سقوط دولت جمهوری افغانستان و بقدرت رسانیدن گروهی از تروریستان، دزدان و آدمکشان زیر نام تنظیم های جهادی و قوماندانان آنها چون حکومت های ملوک الطوائف غلامان حلقه بگوش پاکستان و ایران پیوسته سعی بر آن داشتند تا از ایجاد یک حکومت مقتدر مرکزی که سراسر کشور را اداره کرده بتواند جلوگیری بعمل آورند. به این منظور بعد از مضحکه بن هم گروهی از مفسدین، دزدان، جنایتکاران، مافیا های مختلف اقتصادی - سیاسی را بر مسند قدرت نشانند تا بوسیله آنها از ایجاد تأسیسات دولتی برای تأمین نظم و ثبات، ارگانهای حافظ قانون و ارگانهای دفاع از تمامیت ارضی و منافع ملی جداً جلوگیری بعمل آورند. همه پولهایی را که تحت اداره US

AID از جامعه جهانی در اذای حاتم بخشی های سکتور ها، سمت ها و ولایات افغانستان به (کمک کنندگان) زیر نام بازسازی افغانستان بدست آوردند در ارقام درشت خود امریکاییان و هم پیمانان بین المللی شان در قدمه های بعدی همین مفسدین، جنایتکاران و مافیا های سنجاق شده حیف و میل کرده و با شدت از تأسیس ساختار های ملی برای استحکام نظم و قانون جلوگیری بعمل آوردند.

یکی از عوامل سقوط طالبان وحشی نیز حاکمیت مطلق العنان آنها بر سراسر افغانستان بود که به مذاق سیاست های امریکایی مبنی بر افغانستان بی ثبات همخوانی نداشت. زیرا امریکاییان میخواستند بی ثباتی را در افغانستان در اختلافات ذات البینی میان افغانان به جهانیان به نمایش بگذارند و خود سرگرم اهداف سیطره جویانه و استراتژیک شان در منطقه باشند. برطبق همجو اهداف طالبان تروریست پرورده استخبارات پاکستان را که از اهرم تا قاعده تحت امر و کنترول ISI بود از قدرت بدور ساخته و استخبارات نظامی پاکستان را مؤظف ساخت تا آنها را آرایش مجدد داده و حالا در نقش مخالف قوت های نظامی خارجی به میدانهای جنگ به افغانستان بفرستند. در داخل کشور، مفسدین، مافیا ها، قاچاقبران بین المللی، تروریستان و ملوک الطوائف چون دوستم، عطامحمد نور، سیاف، تورن اسمعیل، گروه قاچاقبر و تروریست شورای نظار، محقق، خلیلی و سایرین را تحت حمایت بالفعل خویش بر گرده های مردم سوار کرده و با اجرای عملیات های وحشیانه نظامی و اعمال ضد بشری زیر نام طالب پالی یا طالب کُشی در سراسر افغانستان مردم را بر علیه حکومت و اداره مرکزی شوراندند. همچنان هم حکومتیان فاسد و بی بند و بار، هم دزدان و قاچاقبران، هم طالبان قاتل و آدمکش وحشی هم غلامان تفرقه افکن ایران و پاکستان که نسخه های تفرقه افگنی زیر نام ملیت، قوم، زبان، مذهب، سمت و جنس چون پدرام و بهزاد و این همه ترکیب متجانس یکجا با نیرو های خارجی و قراردادی های خارجی و نوکران داخلی شان زیر نام NGO ها دست بدست هم دادند در این همه سال مردم را کشتند، بستند و چاپیدند و ده ها هزار دیگر را عمداً مجبور به مهاجرت به دیار بیگانگان خون آشام ساختند و به این ترتیب مراکز تروریست پروری پاکستان را فعال نگه داشتند، و بوسیله همین آدمکشان وحشی بنام طالب ده ها هزار هموطن بیگناه ما را طی عملیات های انتحاری در مکاتب، پوهنتون ها منجمله همین امروز در پوهنتون کابل، مراکز تدریسی، مساجد، تکیه خانه ها، مراسم تدفین، مراکز خرید، محلات مجتمع شهری به قتل رساندند و در نتیجه انفجارات تأسیسات عام المنفعه، تخریب شاهراه ها ضربات مهلکی را بر اقتصاد کشور ما وارد ساخته و با ترور دسته جمعی و انفرادی شخصیت های علمی و منتقد از لحاظ روانی رعب و ترس را در جامعه مستولی ساختند. بسیاری مردم حتی تحلیل گران با نگاه اجمال فکر میکنند که این همه جریانات در اثر اشتباه در انتخاب کادر و اشتباهات نیرو های خارجی صورت پذیرفته است. در حالیکه همه این اقدامات آگاهانه برطبق پلانه های منظم استخباراتی طرح، تدوین و بصورت

مرحله وار به اجرا گذاشته شده است. آنچه تنها در این میان بصورت تصادفی اتفاق افتیده است همانا ایجاد هسته های وطندوستان واقعی است که در رده های حکومت، جامعه مدنی و سازمانهای سیاسی و اجتماعی پا به میدان گذاشته که با تفکر وطندوستانه در پی ناکامی پلانه های خصمانه دشمنان داخلی و خارجی کمر همت بسته اند و تلاش دارند تا نیرو های دفاع از میهن و خدمتگزاران واقعی مردم را در جهات تأمین نظم و حاکمیت قانون و تحکیم یک حکومت مقتدر ملی سوق و اداره کنند.

در شرایط حاد امروزی که وطن ما بر اثر دسایس خصمانه که شمه آنرا در بالای اختصار ذکر کردم به کندی نفس میکشد و بر سر پرتگاه نیستی قرار داده شده است، در سر لوحه وظیفه همه وطندوستان بدون در نظر داشت تفاوت های نظر و سلیقه شان حمایت بیدریغ از حاکمیت قانون و افشای تمام عناصر وابسته، مفسد، قانون شکن، مافیا ها، تبهکاران، دزدان و قطاع الطریقان قرار داشته و از همه مهمتر اینکه همه مردم ما به نحوی یا مستقیم و یا غیر مستقیم از آفتی بنام طالب دست پرورده و فرزند حرام پاکستان خون آشام متضرر شده اند و در شرایط حاضر هیچ خانواده را در کشورمان نتوان سراغ کرد که در نتیجه اعمال این تروریستان خونخوار بنام طالب و یا اسم جدید اش داعش که یقیناً همان طالب وحشی پاکستانی است و به دلیل بازی های استخباراتی در بسا عملیات ها با تغییر نام اعلام موجودیت میکند، عضوی از اعضاء و یا چندین تن از اعضای خویش را قربانی نداده باشند. چرا ما هنوز هم سکوت میکنیم؟ چرا ما صدای خویش را به گوش جهانیان نمی رسانیم؟ چرا ما عرایض خویش را بر علیه طالب خونخوار و پاکستان خون آشام و ایران مژور که پیوسته بر این آتش هیزم میریزد عنوانی سازمانهای بین المللی منجمله سازمان ملل متحد، سازمان حقوق بشر ملل متحد، پارلمانها، احزاب سیاسی و انجمن های بین المللی، حکومتات و دول جهان ارائه نمی کنیم.

بر علاوه اعترافات پرویز مشرف حاکم نظامی پاکستان در کتاب (در خط آتش)، سایر جنرالان پاکستانی و اعضای پارلمان پاکستان مبنی بر تعلیم، تربیه، تسلیح و تجهیز طالبان و سایر گروه های تروریستی در پاکستان، موجودیت اسامه بن لادن و ملا محمد عمر و اعتراف ترمپ در پیام سال نو ۲۰۱۷ مبنی بر اینکه پاکستان مرکز شرارت و حامی تروریسم است، من یقین دارم که اسناد و شواهد معتبر نزد ادارات مربوط ریاست امنیت ملی افغانستان مبنی بر سازماندهی، راه اندازی و کنترل پلانه های اعمال انتحاری و حملات وحشیانه تروریستی از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان ISI وجود دارد. مردم با یک صدا آنها را مجبور سازند تا این اسناد را بدسترس جامعه جهانی قرار دهند و دست پاکستان را در عقب این همه ترور ها و تروریست ها برملا سازند. مردم صدای اعتراض شانرا در قبال از دست دادن عزیزان شان طی تجمعات اعتراضی در مقابل نماینده گی سازمان ملل متحد و اداره حقوق بشر آن در کابل و نماینده گی های ولایات بلند کنند. اگر دیروز نیز همه نماینده گان مردم در لویه جرگه

و یا همزمان در جریان تدویر لویه جرگه توده های میلیونی مردم بپا می خاستند و با یک صدا به دولت افغانستان و حامیان بین المللی طالبان خونخوار میگفتند که « ما اجازه نمیدهیم قاتلین فرزندان ما را رها کرده، بخشی را به دوحه بفرستید تا برای ما سرنوشت تعیین کنند و بخشی را مسلح ساخته دو باره برای قتل عام فرزندان باقیمانده ما به هلمند، بدخشان، ننگرهار، قندهار، کابل، زابل، نیمروز، بادغیس، شبرغان، کندز، فاریاب، هرات و سایر ولایات کشور ما بفرستید، احتمالاً امروز وضعیت طوری دیگر میبود.

این سکوت مردم است که امریکا بوسیله نماینده دون فطرت اش خلیل زاد و وزارت خارجه اش حکومت و دولت افغانستان را با تهدید و تخویف مجبور به قبول اوامر و هدایات ضد منافع ملی ما کرده و خود خلاف تمام نورم های قبول شده بین المللی با یک گروه تروریست توافقنامه را به امضاء رسانیده و حالا با فشار و تعدی با استفاده از این سند مضحک غیر حقوقی دولت ما را ملزم به مواد آن میدانند. حالا هم دیر نشده سازمان های سیاسی و اجتماعی خاصاً سازمانهای زنان، اجزای جامعه مدنی، اتحادیه های اصناف، متنفذین، استادان، اهل خبره و همه مردم به پا خیزند با رعایت اصول دیموکراسی صدای شان را به رسم اعتراض علیه اقدامات امریکا مبنی بر توافق با طالبان خونخوار وحشی و علیه پاکستان این تریبه کننده و صادر کننده تروریزم در افغانستان ابراز دارند و به این ترتیب جهان را از این امر آگاه سازند.

پاکستان بوسیله طالبان در مدرسه، مکتب، پوهنتون، مراکز تدریسی، مسجد، تکیه خانه، محافل عروسی، مراسم تشیع جنازه و در شهر و بازار مردم ما را قربانی میکند، اما اکثر رسانه های تصویری و شنیداری افغانستان به عوض لعنت و نفرین به این آدمکشان حرفوی و حامیان شان به دولت افغانستان لعنت و نفرین میفرستند و به این ترتیب لبه تیغ تبلیغات را بر علیه دولت ساخته و آدمکشان حرفوی و حامیان شان را برائت میدهند و بصورت متناوب به بلند گو های این گروه آدم کش تبدیل شده اند. اداره استخبارات نظامی پاکستان ISI بخوبی تشخیص داده است که بوسیله یک جنگ تبلیغاتی روانی بیشتر مورال نیرو های امنیتی را میتواند تضعیف کند و در میان مردم فضای رعب و ترس شدید را مستولی ساخته و خود به مقاصد سیاسی اش نایل آید. آنها بلااثر مضحکه نامنهاد مذاکرات دوحه طالبان را در صدر اخبار دنیا قرار داده و سازمان استخبارات نظامی پاکستان فعالیت های تخریبی و ترورستی وسیع را در تمام ولایات کشور راه انداخته اند و تاثیرات منفی عمیق روانی را در میان نیرو های مسلح کشور و سیاسیون بجا گذاشته مشکلات و چالش های جدیدی را فرا روی دولت قرار داده اند.

آنچه برای من بسیار مایه تاسف و تالم است که عده قابل توجه رسانه های تصویری، شنیداری و چاپی داخلی در عوض نشر و پخش رویداد های داخلی کشور، پیروزی ها، پیشرفت ها و توانایی های رزمی

قوت های امنیتی قهرمان کشور در پیشبرد وظایف خطیرشان برای تأمین امنیت در مقابل طالبان، مفسدین و دزدان در کابل، هلمند، بدخشان، تخار، بادغیس، هرات، قندهار و سایر ولایات و فعالیت متمر و مفید اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نشر اخبار طالب و طالب پروری می پردازند. بطور مثال ساعت حدود یازده قبل از ظهر بوقت کابل امروز مؤرخ ۲ اکتوبر تروریستان طالب داخل محوطه پوهنتون کابل شده و به قتل عام بیرحمانه محصلین بیدفاع ما پرداختند ساعت حدود دوازده یعنی در کمتر از یکساعت رسانه های خبری داخلی پیام طالبان را مبنی بر بی ارتباط بودن به این حمله را منتشر ساختند. در حالیکه در بیشتر از یک هفته اخیر مهمترین اقدامات ملی در جهت سرکوب تروریستان در اکثر ولایات کشور، دستگیری ده ها تن از سارقین، غاصبین و مفسدین در شهر کابل و همراهی مردم با تیم های دفاع از شهر صورت پذیرفته که هیچ یک از این رسانه ها اخبار آنرا یا پخش نکردند و یا بر عکس بر علیه این اقدامات برنامه سازی کرده اند و مردم را در جهت مخالف دولت تحریک کرده اند. این اقدامات بخوبی میرساند که تبلیغات و برنامه های این رسانه ها دقیقاً در منافات با منافع ملی کشور قرار داشته از یکطرف باعث تضعیف مورال رزمی قوت های مسلح کشور میگردد و از طرف دیگر متناسب است با بزرگ نمایی، هویت بخشیدن، دفاع و تشجیع طالبان در میان مردم میباشد. این دسته از رسانه ها پیوسته از ناکامی های حکومت در عرصه های گوناگون اقتصادی - اجتماعی - سیاسی - نظامی و اداره کشور اخبار بسیار ناقص و یک جانبه به نشر میرسانند. من در بسیاری حالات حین دیدن و شنیدن برنامه های رسانه های افغانستان فکر میکنم که رادیو و یا تلویزیون طالبان را میبینم و یا میشنوم و یا یک نشریه طالبانی پاکستانی را مطالعه میکنم. پخش دروغ های شاخدار و اخبار جعلی و اشاعه اطلاعات نادرست در باره بسا موارد بسیار حساس در مقاطع بسیار حساس زمانی بوسیله طالبان و ادامه و اشاعه آن بوسیله رسانه های داخل کشور و رادیو های بی بی سی، صدای امریکا، رادیوی آزادی و سایرین جفای بزرگیست که بر علیه منافع ملی کشور ما در جریان است. کم توجهی ای مقامات مسئول دولتی در این زمینه جرمیست نابخشودنی. دولت وسایل و امکانات فراوان در اختیار دارد تا جلو تبلیغات زهر آگین طالبان را بگیرد، همچنان دلایل، شواهد و اسناد انکار ناپذیر فراوان از وابستگی مادی و معنوی این گروه تروریست با پاکستان و سازمان جهنمی ISI در دسترس مقامات امنیتی افغانستان موجود است این اسناد و شواهد رسانه ای کردند، به مردم ماهیت اصلی طالبان که تحقق دهنده گان پلان های شوم پاکستان میباشد بر ملا گردد، آنچه مردم را باورمند به دفاع از مادر وطن میسازد رسانیدن اطلاعات شفاف و بموقع میباشد. به همه رسانه ها داخلی و خارجی وقتاً فوقتاً بصورت سیستماتیک و هدفمند اخبار اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جریانات جبهات جنگ رسانیده شود. آنانیکه در داخل کشور ما برای اهداف دشمنان کشور ما تبلیغات میکنند و اطلاعات دشمنان مردم ما را بازرسانی میکنند با در نظر داشت

قانون اساسی و سایر قوانین نافذ کشور برخورد قانونی صورت گیرد. برای جلوگیری از فعالیت شبکه های مافیایی رسانه ای تدابیر شدید در پرتو قانون اتخاذ گردد. پاکستان با جعل، کذب و ناروای خویش میتواند مردم ما را بفریبد، چرا ما نمیتوانیم با حقایق آشکار قناعت مردم را برای قبول کردن این حقیقت فراهم گردانیم. البته که این خود ضعف ما را در اطلاع رسانی و ضعف ما را در جنگ تبلیغاتی بیان میکند. اگر این ضعف مرفوع نگردد مشروعیت دولت روز تا روز زیر سوال میرود و کار های کرده به ناکرده تبدیل میگرددند. ارگانهای امنیتی و همه مردم ما هزاران عکس، ویدیو و چشم دید های دلخراش از کشتار بیرحمانه مردم بیگناه ملکی اعم از اطفال، زنان، پیر مردان و کسبه کاران کنار جاده ها که بخاطر پیدا کردن لقمه نانی بخور نمیر برای زن بیمار و فرزند سوء تغذی اش از صبح تا شام کنار جاده مصروف بود و انتحاری وحشی پاکستانی طالب نام این یگانه نان آور خانه را به کام مرگ سپرد در دسترس دارند. در پوهنتون کابل امروز حدود پنجاه دختر و پسر جوان که سرمایه گرانبهایی فردا های کشور بودند به خاک و خون غلطیدند. برای افشای چهره های کریه این گفتاران وحشی و قلاده دارشان پاکستان بایبست کمپاین تبلیغات وسیع سرتاسری در سراسر کشور راه اندازی گردد، فلم های کوتاه از طریق شبکه های اجتماعی چون فیسبوک، وتس اپ، میسینجر، وایبرو وب سایت های شهرداری ها و ولایات همسانی وسیع گردد، فیلم های سینمایی با سوژه های از این وحشی گری ها و پیامد های خونبار آن تهیه در مرکز و ولایات، شهر ها، قصبات و قریه ها بصورت رایگان برای مردم نمایش داده شود، در مجالس و محافل رسمی و غیر رسمی، مساجد و تکایا بوسیله سخنوران، ملا امامان و علمای دین در باره جنایات نا بخشودنی این وحشی صفتان بحث های توضیحی وسیعاً در سراسر کشور راه اندازی شود. وزارت شئون اسلامی و اوقاف مواد توضیحی برای مساجد و تکایای سراسر کشور تهیه و بدسترس مساجد و تکایا قرار دهد. مقامات وزارت خارجه کشور از طریق سفارت خانه های افغانستان در تماس نزدیک با اتحادیه ها و انجمن های افغانی در سراسر جهان تظاهرات و گردهم آیی های اعتراضی را علیه حملات تروریستی طالبان در ولایات و شهر کابل راه اندازی کنند. همچنان وزارت امور خارجه همه اسناد و شواهد این فعالیت های تروریستی را بدسترس سازمان ملل متحد قرار دهد تا موسسات بین المللی که با این تروریستان همکاری تکنالوژیک دارند از طریق شورای امنیت و سایر شعبات اداره ملل متحد مورد تحریم قرار گیرند. از طریق سیمینار های علمی- توضیحی برنامه سازان و مسئولین تلویزیون های داخلی به حقیقت ماجرا های پشت پرده در مسایل افغانستان و منطقه آشنا ساخته و باورمند به منافع ملی گردند و از طریق برنامه های شفاف توضیحی همین تلویزیون ها که اکنون عده از آنها در خدمت سخنگویان طالبان قرار دارند در خدمت مردم و منافع ملی کشور شان قرار گیرند. ایستاده گی صادقانه همه مردم در برابر این اهریمن طالب خونخوار پاکستانی این اطمینان را

نهادینه میسازد که اگر بزرگترین قدرت جهان هم در حمایت شان باشد کاری از پیش برده نمیتوانند. صف آراییی همه مردم علیه طالبان وجبیه ملی ماست این مبارزه ملی و انسانی خوشخدمتی به نفع کدام شخصیت و یا گروهی نیست بلکه منافع ملی کشور ما از همه ما چنین مطالبه ای دارد. به صدای مادر وطن در راه منافع ملی کشور باید لبیک گفت و به پا خیزست. بقول اقبال لاهوری:

خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش بدست خویش بنوشت
به آن ملت سر و کاری ندارد که دهقانش برای دیگران کشت

در اینجا قابل تذکر میدانم که همه ما مردم خاصاً آنانیکه امکانات اطلاع رسانی و روشنگری را دارند وجبیه ای ملی شان است تا با نوشته های روشنگرانه و رهنمودی، پخش و اشاعه اخبار از پیشرفت های اقتصادی – سیاسی- فرهنگی و پیروزی های نیرو های مسلح در جبهات جنگ از طرق ممکنه مردم را بصورت شفاف آگاه سازند و ما نباید بلند گوی دشمنان قسم خورده ای وطن مان باشیم افتراات و اخبار جعلی شان را دست بدست پخش کنیم دانسته و یا ندانسته آب به آسیاب دشمن بریزیم. اقدامات صلحجویانه و انسانی حکومت در برابر آنعده فریب خورده گان که از ماضی شان منزجر و در همکاری با ارگانهای امنیتی دین ووظیفه وطنی شانرا ادا میکنند و مورد عفو قرار میگیرند از جانب سازمان استخبارات نظامی پاکستان زیر نام «مسامحه و تبانی دولت با تروریستان طالب» وسیعاً در میان مردم پخش میگردد. لازم است تا از جانب ارگانهای امنیتی با حفظ اسرار نظامی با دلایل، اسناد و شواهد برای مردم اطلاع رسانی شفاف صورت گیرد تا قناعت مردم فراهم گردد؛ در غیر آن روز تا روز از اعتبار دولت نزد مردم میکاهد. به امید قلع و قمع و نابودی کامل طالبان و همه دشمنان سوگند خورده مردم افغانستان.



[برای مطالب دیگر عبدالقیوم میرزاده، اینجا کلیک کنید](#)